

اقدامات شورشیان بوکوحرام از منظر حقوق بشر و حقوق

بشر دوستانه

رضا اسلامی^۱، سید کاظم محمدپور^۲*

چکیده

بوکوحرام از گروه‌های شورشی رادیکال سنی‌مذهب و مخالف با دولت سکولار نیجریه است. شورشیان این گروه شورشی برای پیشبرد اهداف خود به خشونت و ارتکاب انواع جنایات بین‌المللی متوسل می‌شوند. این مقاله با رویکردی تحلیلی-توصیفی درصدد تبیین این نکته است که چرا عملکرد شورشیان بوکوحرام با اینکه غالباً محصور در نیجریه است، ماهیتی بین‌المللی یافته است. در این مقاله، عملکرد و راهبرد شورشیان این گروه که دربردارنده نقض موازین بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه و از موجبات تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی است، بررسی شده است. از طرفی به نظر می‌رسد بوکوحرام یک گروه شورشی تروریستی بی‌اعتنا به موازین بین‌المللی است. در فرجام، نتایج تحقیق بیانگر این است که افزون بر دولت‌ها، شورشیان گروه‌های شورشی مانند بوکوحرام نیز ملتزم به رعایت موازین حقوق بشر دوستانه، همچنین حداقل حقوق بنیادین و عدول‌ناپذیر بشر در شورش‌های داخلی‌اند.

کلیدواژگان

بوکوحرام، تعهدات، حقوق بشر، حقوق بشر دوستانه، گروه شورشی، نیجریه.

۱. دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. Email: someal@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). Email: s_kazem44@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۷

مقدمه

دامنه اصلی فعالیت شورشیان بوکوحرام (Boko Haram Insurgents)، نیجریه با جمعیت تقریبی ۱۷۰ میلیون تن متشکل از اقوام و اقلیت‌های گوناگون است و همین سبب شده است این کشور در چالش‌های قومی و فرقه‌ای که صرفاً ناشی از تفاوت‌های مذهبی نیست، قرار گیرد. رکود اقتصادی، فقر، بیکاری، انواع تبعیض، نبود نظام سیاسی کارآمد و دموکراتیک نیز از اسباب این چالش در نیجریه است (Adesoji, 2010: 97).

طبق نظر دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۲۰۱۳، شورشیان بوکوحرام از آغاز کار، به ارتکاب «جنایت علیه بشریت» (Crimes against Humanity) نسبت به پیروان سایر ادیان و مذاهب مبادرت کرده‌اند و با شدت گرفتن فعالیت‌ها و درگیری‌های مسلحانه‌شان با نیروهای نظامی دولت نیجریه، وجود مخاصمه مسلحانه داخلی نیز محقق شده است و از این رهگذر، ارتکاب «جنایات جنگی» (War Crimes) به سیاهه اتهامات شورشیان بوکوحرام افزوده شد. اما تاکنون تحقیق مستقلی در خصوص نقض موازین بین‌المللی برآمده از اقدامات شورشیان بوکوحرام و عدم پای‌بندی آنان به موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، انجام نشده و تحقیق حاضر تلاشی برای انجام این امر است. فقدان تحقیق انجام‌شده از یک‌سو و جنایات ارتكابی این گروه در نیجریه که موجبات تهدید صلح و امنیت بین‌المللی را فراهم کرده، بررسی ابعاد حقوقی فعالیت‌های بوکوحرام را ضروری کرده است.

گروه بوکوحرام و اقدامات آن در این مقاله از دو جهت بررسی شده است: نخست اینکه اگرچه شورش‌های داخلی (Domestic Insurgencies) مانند شورش بوکوحرام در قلمرو داخلی نیجریه و برخی کشورهای همجوار وقوع یافته است، چرا از ماهیتی بین‌المللی - از آن‌رو که از موضوعات مهم حقوق بین‌الملل معاصر به شمار بیاید - برخوردار و به یکی از چالش‌های حقوق بین‌الملل بدل شده است و دیگر اینکه مبنای تعهدات، التزامات و موازین بین‌المللی قابل اعمال بر شورشیانی که در قالب گروه بوکوحرام تجلی یافته‌اند، چیست؟

فرضیه تحقیق نیز این است که شورشیان بوکوحرام با نقض فاحش (Grave Breach) موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه موجبات تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی را فراهم کرده‌اند و به‌منزله گروه شورشی (Insurgent Group) ملزم‌اند قواعد و موازین حقوق بنیادین بشر و حقوق بشردوستانه نظیر حفاظت از غیرنظامیان و به‌ویژه زنان و کودکان را رعایت کنند. به‌منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره، ابتدا اقدامات و عملکرد شورشیان این گروه در نقض فاحش موازین بین‌المللی تبیین و در ادامه مبنای تعهدات بین‌المللی شورشیان بوکوحرام مبنی بر لزوم رعایت موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بررسی شده است.

زمینه‌های پیدایش و عملکرد شورشیان بوکوحرام

مناطقی که در قاره آفریقا مستعد بروز خشونت‌های قومی و مذهبی‌اند، عبارت‌اند از: منطقه شاخ آفریقا مشتمل بر شمال و شمال شرقی قاره و دیگری منطقه زیر صحرا که جنوب غربی قاره و کشورهای کامرون، نیجریه و ... را دربر می‌گیرد. از این میان نیجریه، گروه رادیکال اسلامی بوکوحرام را در بطن خود پرورانده است. ایدئولوژی این گروه با توجه به نامش آشکار است. برداشت عامه از واژه «بوکو»، روش و سبک غربی است که با ترکیب با واژه حرام، مفهوم آن حرام‌دانستن آموزش، فرهنگ و تفکر به سبک غربی است (Thomson, 2012: 46).

برگزیدن نام بوکوحرام ناشی از تفکرات «محمد یوسف» از مؤسسان این گروه است. وی باور داشت که آموزش غربی جز تنگدستی، محرومیت و فقر رهاوردی برای مردم نیجریه نداشته است، لذا این آموزش، ممنوع و حرام است (Okpaga, 2012: 82).

بوکوحرام در سال ۱۹۹۵ میلادی، زمانی شکل گرفت که «ابوبکر لاوان» (Abubakr Lavan) گروهی تحت نام «هجرت» را با اهداف اجتماعی در دانشگاه برونو تأسیس کرد (Mazrui, 2012: 3). برخی نیز شکل‌گیری آن را در سال ۱۹۹۵ از زمان تجمع جوانان اسلام‌گرا تحت نام «الشباب» دانسته‌اند (Madike, 2011).

در اوایل سال ۲۰۰۰ میلادی، دولت وقت پس از رایزنی با گروه‌های فعال در منطقه شمال، سرکوب نیروهای بوکوحرام را آغاز کرد، اما این سرکوب، حاصلی جز گرایش بیش از پیش شورشیان بوکوحرام به اعمال خشونت دربر نداشت (www.mondediplo.com/2012/04/04nigeria:Nigeria's (Homegrown Monster : by Alain Vicky).

از سوی دیگر، شکاف‌های قومی در نیجریه و مهم‌تر از آن نامتجانس بودن مردم شمال و جنوب کشور از لحاظ عقیدتی و مذهبی طی تاریخ، تنش‌زا بوده است، چنانکه عموماً مسلمانان در شمال و مسیحیان در جنوب کشور متمرکز شده‌اند. مسیحیان که در قاره آفریقا همواره مورد حمایت استعمارگران غربی بوده‌اند، بر مراکز و بخش‌های اقتصادی و آموزشی نیز تسلط یافته‌اند و از اوضاع اقتصادی سامان‌یافته‌تری برخوردارند. پیروان بوکوحرام با ملاحظه این تبعیض، نخستین اقدامات خشونت‌آمیز خود را متوجه نیروهای نظامی و انتظامی دولت کردند و پس از آن با توجه به ایدئولوژی حاکم بر آن، این یورش‌ها تنوع بیشتری یافت و اهداف غیرنظامی مانند مدارس و کلیساها را دربر گرفت (Labott, 2014).

از اساسی‌ترین پرسش‌های قابل طرح با توجه به استمرار شورشیان بوکوحرام طی نزدیک به دو دهه در ارتکاب جنایات و نقض فاحش موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، علل ناتوانی دولت نیجریه بر سرکوب آنان است؟

با بررسی نحوه فعالیت این گروه به نظر می‌رسد عوامل متعددی تاکنون سبب بقا و استمرار فعالیت‌های آن در نیجریه شده است.

حمایت و تأمین مالی بوکوحرام از سوی برخی صاحبان قدرت و ثروت، از عوامل توانایی آن‌ها در استمرار فعالیت و پیگیری اهداف خود شده است (Forest, 2012: 17). از دیگر عوامل می‌توان به عوامل طبیعی و وضعیت جغرافیایی نیجریه مانند انبوه باتلاق‌ها و جنگل‌ها به خصوص جنگل سامببسا اشاره کرد که سبب ایجاد دژهای مستحکم برای شورشیان و مانع نفوذ ارتش نیجریه و به‌کارگیری تانک و نفربر برای سرکوب شورشیان شده است (الشرقاوی، ۲۰۱۷).

از طرف دیگر، نیروهای نظامی نیجریه از لحاظ تسلیحاتی ضعف و کمبود دارند و سربازان ارتش نیز روحیه و انگیزه کافی برای مبارزه و درگیری با شورشیان ندارند که این امر به گریز از صحنه‌های نبرد و به‌جا گذاشتن اسلحه و تجهیزات منجر و اغلب به‌منزله غنایم جنگی نصیب شورشیان شده است (الشرقاوی، ۲۰۱۷).

از معضلات دیگر، ناهم‌واری‌های مرزی است که موجب آسان‌تر شدن فعالیت شورشیان در مرزها و دولت‌های مجاور شده است، چنان‌که کوهستان‌های رفیع و زنجیروار و ضعف امکانات ارتش‌های منطقه در رویارویی با شورشیان از اهم این معضلات است (الشرقاوی، ۲۰۱۷).

مزید بر همه این‌ها، درگیری‌های فرقه‌ای، موجب رشد و گسترش فعالیت‌های شورشیان شده است و خشونت‌های به‌کاررفته میان مسلمانان و مسیحیان در بسیاری از روستاهای نیجریه، این گروه شورشی را به‌منزله مهم‌ترین گزینه برای دفاع از اسلام مطرح کرده است (الشرقاوی، ۲۰۱۷). اما از لحاظ عملکرد، این گروه بنیادگرای سنی‌مذهب که خود را مدافع ارزش‌ها و تعالیم اسلامی می‌داند، موجب نقض فاحش موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه شده است. چنان‌که در مارس ۲۰۱۲ در میدوگوری، دوازده مدرسه از سوی بوکوحرام طعمه حریق و بیش از ده هزار دانش‌آموز از آموزش، محروم و پراکنده شدند (Walker, 2012: 1-15).

این گروه در آوریل ۲۰۱۴ به ربودن ۲۷۶ دختر دانش‌آموز از منطقه شبوک در ایالت بورنو در شمال نیجریه اقدام کرد. دو هفته پس از آن «ابوبکر شیکاو» رهبر این گروه، به آموزش غربی و تحصیل دختران اعتراض و علت ربایش دختران را تحت آموزش غربی بودن آنان اعلام کرد (www.entekhab.ir/fa/news/159994).

مخاصمات مسلحانه درون نیجریه، موجب آوارشدن بیش از دو میلیون تن در شمال این کشور شده است که پیرامون ۸۰ درصد این آوارگان در اردوگاه‌های تنگ و کوچک، اسکان داده شده‌اند و دیگر آوارگان در چادرها به سر می‌برند. چادرهای آوارگان در میدوگوری، پر از جمعیت و بدون آب شرب و فاقد غذای کافی و دست‌شویی‌های بهداشتی‌اند (Amnesty International Report, 2017, 277).

بوکوحرام به منزله گروه شورشی تروریستی

در دیدگاه پروفیسور فالک، آشوب (Riot) چالش و اعتراضات پراکنده‌ای است که در قبال حکومت مشروع صورت می‌گیرد (Falk; cited by Cullen, 2005: 69) که اگر از مرحله سرکوب از سوی نیروی انتظامی و پلیس گذر کند و پلیس دیگر قادر به مهار این وضعیت نباشد آشوب به شورش (Insurgency) تغییر حالت می‌دهد.

ویلسون نیز گفته است: «به نظر می‌رسد که توافق عامی وجود دارد مبنی بر اینکه شناسایی شورش، شناسایی یک ارتباط واقعی یا اذعان به این حقیقت است که جنگ داخلی به وقوع پیوسته است» (Wilson, 1988: 24).

حداقل نتایج برآمده از شورش، فشار بر حکومت و تضعیف آن و ایجاد چالش‌های امنیتی و درنهایت، واژگونی نظام سیاسی حاکم است (Batdorf, 2005: 105).

برخی حقوق‌دانان بر این باورند که اگر دولت حقوق اولیه و اساسی شهروندان را نقض کند و از طرق مسالمت‌آمیز، احقاق حق امکان‌پذیر نباشد، تنها راه ممکن، توسل به شورش است (Honore, 1988: 34).

بنابراین، چنانچه شورش در قبال دولت حاکم، به‌منزله آخرین چاره و راهکاری ضروری به‌منظور استیفای حقوق بنیادین و اولیه مورد تأکید اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقین و سایر پیمان‌نامه‌ها، کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌های بین‌المللی صورت گیرد، به نظر می‌رسد که بتوان شورش را «حق ثانویه» (Secondary Right) دانست.

در هر حال، شورشیان در مواجهه با نیروهای دولتی و در رفتارهای خود با اشخاص غیرنظامی مکلف‌اند موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را رعایت کنند. اما درخصوص شورشیان بوکوحرام که در برخورد با خصم و افراد غیرنظامی سایر گروه‌های دینی و مذهبی، اعتقادی به رعایت موازین بین‌المللی ندارند و عملکرد خشونت‌آمیز و بی‌حد و حصر آنان در گزارش‌ها و قطعنامه‌های نهادها و مراجع بین‌المللی بازتاب یافته است؛ اقدامات آنان را می‌توان مصداق بارز تروریسم دانست.

در گستره تعاریف متنوع و متعدد از تروریسم، تعریف مجمع عمومی سازمان ملل از اهمیت بالایی برخوردار است. طبق این تعریف، «اقدامات جنایی که با هدف برانگیختن رعب و وحشت در میان مردم، گروهی از افراد و یا افراد خاص و با اهداف سیاسی انجام شده باشد، تروریسم تلقی شده و تحت هر شرایطی و با هر انگیزه سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیکی، نژادی، قومی و مذهبی که باشد غیر قابل توجیه است» (G.A.Res, 49/60: 1994). در این تعریف عملاً میان هدف و انگیزه در تروریسم تمایز ایجاد شده است.

مؤثرترین رکن سازمان ملل یعنی شورای امنیت که وظیفه اولیه آن حفظ صلح و امنیت

بین‌المللی است در خصوص تروریسم نیز دو گونه قطعنامه صادر کرده است. اغلب این قطعنامه‌ها، خاص و واقعه‌ تروریستی مشخصی را در نقطه‌ای از جهان تحت پوشش قرار داده‌اند، درحالی‌که در قطعنامه‌های عام به صورت کلی به تروریسم پرداخته است. شورا در مقدمه نخستین قطعنامه کلی خود به قطعنامه ذکرشده مجمع عمومی اشاره دارد و درواقع به تعریف مجمع عمومی که هسته اصلی آن ایجاد رعب و وحشت در جامعه با اهداف سیاسی است تأکید کرده و پذیرفته است (S.C.Res, 1269: 1999).

بر این اساس، هدف تروریسم، سیاسی است یعنی درنهایت همه تروریست‌ها سعی دارند به‌نوعی بر ساختار قدرت تأثیر گذارند. این تأثیرگذاری می‌تواند صرفاً به‌منظور جلب توجه ساختار قدرت یا تغییر شدید و درنهایت تسلط بر آن باشد، اما این هدف می‌تواند انگیزه‌های متفاوت ایدئولوژیک، فلسفی، مذهبی، نژادی یا قومی نیز داشته باشد.

بنابراین، بوکوحرام را می‌توان گروه تروریستی قلمداد کرد. این گروه به فعالیت‌های خشونت‌بار با انگیزه مذهبی دست می‌زند. یکی از رهبران این گروه به نام ابوبکر شکائو، پس از حمله تروریستی چنین گفته است: «من از به‌قتل‌رساندن اشخاصی که خدا به قتل آنان فرمان داده است لذت می‌برم».

"Profile of Nigeria's Boko Haram leader AbubakarShekau", BBC News, June)

(22, 2012. Available at: <http://www.bbc.co.uk/news/world-africa-18020349>

از طرفی هدف اولیه گروه شورشی بوکوحرام، تأسیس دولتی اسلامی بر پایه شریعت اسلامی در شمال و سرانجام در سراسر نیجریه از طریق تأثیر در ساختار قدرت سیاسی است (Fayeye & Balogun, 2012: 266-272). در سال ۲۰۰۹ که ارتش، تأسیسات این گروه را محاصره کرد و از میان برداشت این اقدام و به‌قتل‌رساندن محمد یوسف، سبب گرایش این گروه به فعالیت‌ها و اقدامات مخفیانه شد (Marchal, 2012: 3).

به نوشته واشنگتن پست «نیروهای بوکوحرام تلاش می‌کنند تا تفکرات و هنجارهای افراطی و عملیات خشونت‌بار خود را در مناطق مرزی نیز توسعه بخشند» (The Washington Post, 16 August, 2011).

با این اوصاف، فعالیت‌ها و اقدامات شورشیان بوکوحرام را می‌توان نخستین تلاش برای احیای آموزه‌های اسلامی در نیجریه قلمداد کرد. ویژگی بارز این گروه، بهره‌گیری از مکانیسم‌های خشونت‌آمیز در مواجهه با دولت و هدف غایی آنان برپایی حکومت اسلامی است (Adesoji, 2010: 96). دولت به‌منزله بزرگ‌ترین دشمنان آن، در تأسیس و رادیکال‌شدن این گروه نقش بسزایی داشته است. بوکوحرام در آغاز در حد جنبش اعتراضی مذهبی و حملات شورشیان آن با اسلحه سرد فقط علیه مسیحیان بود، اما پس از سال ۲۰۱۰ به سلاح گرم مجهز شدند و حملات خود علیه نیروهای دولت را نیز سامان دادند (Okpaga, 2012: 89). شورشیان بوکوحرام بر این

باورند که دولت، سرشار از فساد شده است و مسلمانان باید جامعه‌ای اسلامی عاری از فساد و ظلم برقرار کنند (Al Jazeera Centre for Studies, 2012: 2). اینان با این دیدگاه و رویکرد، اقدامات تروریستی و درگیری مسلحانه خود را با دولت نیجریه آغاز و استمرار بخشیدند.

تعهدات بین‌المللی بوکوحرام

در این بخش، با توجه به اینکه میان دولت نیجریه و گروه بوکوحرام هیچ‌گونه توافق‌نامه‌ای مبنی بر لزوم رعایت و اعمال موازین بین‌المللی در مخاصمه وجود ندارد به سبب وجوه افتراق دامنه شمول قواعد و موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، جداگانه به اسناد و موازین قابل تطبیق و اعمال بر بوکوحرام در هریک از این دو حوزه خواهیم پرداخت:

۱. تعهدات حقوق بشری بوکوحرام

ممکن است با رویکردی سنتی این‌گونه تصور شود که فقط دولت در قبال نقض موازین حقوق بشر، مسئولیت بین‌المللی دارد، چنانکه برخی گفته‌اند: «درخصوص التزام گروه‌های مسلح مخالف و شورشیان به قواعد حقوق بشر، اصولاً تعهدات حقوق بشری فقط برای دولت‌ها الزام‌آور است ... نهایتاً اینکه پای‌بندی گروه‌های مزبور به قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه می‌تواند معیاری جهت تشخیص مشروعیت و صلاحیت آن‌ها برای مشارکت در ساختار دولت یا ایجاد حکومت جدید باشد» (طیسی و منصوری، ۱۳۹۴: ۱۸۳-۱۸۲). این در حالی است که فرد نیز در قبال داشتن و برخورداری از حقوق، مکلف به رعایت و احترام به حقوق دیگران است و اعضای گروه بوکوحرام که در قالب افراد شورشی تجلی یافته‌اند، از این قاعده مستثنا نیستند.

در این خصوص مفاد ماده ۳۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۵ میثاقین روشن‌گر این نکته اساسی‌اند که هیچ‌یک از مقررات این اسناد متضمن حقی برای دولت، گروه‌ها یا افراد، که به استناد آن بتوانند حقوق و آزادی‌های دیگران را تضییع یا محدود کنند، نیست. کنوانسیون بین‌المللی رفع تمامی اشکال تبعیض نژادی در ماده ۲، کنوانسیون منع و مجازات جنایت ژنوسید در مواد ۴ و ۵ و اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز بر تکلیف افراد در رعایت موازین حقوق بشر تأکید ویژه‌ای دارند.

شورای امنیت نیز در قطعنامه‌های صادره، به تعهد و مسئولیت گروه‌ها و افراد شورشی در صورت نقض موازین حقوق بشر تأکید داشته است (S.C.RES, 1471: 2003, 1216: 1998,) (2003: 1509). اصولاً شورای امنیت بر این باور است که «توسعه، صلح، امنیت و حقوق بشر عناصری مرتبط و مقوم یکدیگرند و نقض سیستماتیک و گسترده و وسیع حقوق بشردوستانه و حقوق بشر در وضعیت‌های مخاصمه مسلحانه، تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی را شکل می‌دهد» (S.C.Res, 1894: 2009).

شورای امنیت به موجب قطعنامه دیگری نگرانی جامعه بین‌المللی را از حملات تروریستی و مستمر گروه بوکوحرام و وضعیت حقوق بشر در مناطقی که فعالیت بوکوحرام در آن‌ها متمرکز شده را اعلام کرده است (S.C.Res, 2349: 2017).

در این قطعنامه کلیه حملات تروریستی و نقض موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مانند قتل و سایر اشکال خشونت به‌کاررفته علیه غیرنظامیان، زنان و کودکان و عملیات گروهان‌گیری و غارت و به عقد ازدواج درآوردن اطفال و کودکان و ازدواج اجباری و تجاوز و بردگی جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی و سربازگیری و به‌کارگیری کودکان و ... محکوم شده است (S.C.Res, 2349: 2017).

شورای حقوق بشر نیز در قطعنامه ۲۱ مه ۲۰۱۵ تحت عنوان جنایات ارتكابی گروه تروریستی بوکوحرام و آثار آن در حقوق بشر در دولت‌های ذی‌ربط به جنایات ارتكابی و نقض فاحش موازین حقوق بشر از سوی شورشیان پرداخته است (A/HRC/Res/S-23/1).

در این قطعنامه با توجه به اینکه شورشیان بوکوحرام خود را از پیروان راستین و مجریان تعالیم دین اسلام می‌دانند، بر این امر تأکید شده است که پیوند دادن تروریسم با هرگونه دین، جنسیت، تمدن یا گروه نژادی پذیرفتنی نیست.

در بند ۳ این قطعنامه از همگان خواسته شده است که از شناسایی و اعطای هرگونه مشروعیتی به افعال تروریستی شورشیان بوکوحرام خودداری شود.

اصولاً رویکرد جدید جامعه بین‌المللی بیان‌گر لزوم رعایت استانداردهای بنیادین حقوق بشر در شورش‌های داخلی است. در این خصوص در رأی تادیج آمده است: «ملاحظات ابتدایی انسانیت و عقل سلیم نامعقول می‌نماید که استفاده از سلاح‌هایی که در منازعات مسلحانه بین دولت‌ها ممنوع شده است، بین دولت و شورشیان مجاز باشد. آنچه در منازعات مسلحانه غیرانسانی و ممنوع است، نمی‌تواند در شورش‌های داخلی مشروع و حقانی باشد» (Sandesh, 2011: 230).

مفاهیم حداقل استانداردهای بشردوستانه و استانداردهای بنیادین حقوق بشر بر مبنای نیاز ضروری در وضعیت‌های اضطراری مانند شورش ایجاد شده است (Schuller, 2012: 764).

از دستاوردهای دیگر در حوزه لزوم اعمال حداقل استانداردهای بنیادین، ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو است. این ماده افزون بر مشتمل بودن بر یک‌سری تضمینات حداقلی، تأکیدی بود بر اینکه مخاصمه داخلی به صورت کاملاً انحصاری در صلاحیت داخلی دولت‌ها قرار ندارد (Lindsay, 1998: 359) و پروتکل الحاقی دوم با تحقق شرایطی برخی از مخاصمات مسلحانه داخلی را زیر چتر خود گرفت.

اغلب قواعد نظام بین‌المللی حقوق بشر که در حال حاضر بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی را شکل داده‌اند در جریان مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی قابل اعمال و برخی دیگر مانند قاعده «منع سلب خودسرانه حیات»، در شرایط اضطراری نیز عدول‌ناپذیرند.

نقض فاحش ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و دیگر نقض‌های فاحش قوانین و عرف‌های قابل اجرا در چارچوب تعیین شده در حقوق بین‌الملل می‌تواند موجب مسئولیت کیفری شورشیان شود (بندهای ج و د ماده ۸ اساس‌نامه رم). از مهم‌ترین مراجع رسیدگی به جنایات بین‌المللی شورشیان، دیوان کیفری بین‌المللی است که صلاحیت شخصی آن، محدود به اشخاص حقیقی است و متعرض تعهدات بین‌المللی دولت‌ها نمی‌شود و اساس‌نامه این دیوان، مقام هرچند رفیع فرد در رژیم سیاسی را موجب مصونیت یا تخفیف مجازات نمی‌داند (مواد ۲۵ و ۲۷ اساس‌نامه رم).

براساس اصل صلاحیت جهانی نیز دادگاه‌های ملی می‌توانند در خصوص جرایم سنگین حقوق بشری و حقوق بشردوستانه، رسیدگی کنند و متهم را تحت تعقیب و محاکمه قرار دهند. مواد ۶ تا ۸ اساس‌نامه رم به تبیین مفاهیم و احصای مصادیق این جنایات پرداخته است. ماده ۸ اساس‌نامه مشتمل بر احصای ۵۰ جنایت جنگی است که ۱۶ مورد آن به مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی اختصاص یافته است.

کنوانسیون‌های ژنو که اغلب مقررات آن‌ها جنبه عرفی یافته است نیز به ترتیب در مواد ۴۹، ۵۰، ۱۲۹ و ۱۴۶ دولت‌های متعاقد را در چارچوب اصل صلاحیت جهانی، به محاکمه یا استرداد مرتکبان یا آمرین به تخلفات عمده از قواعد و مقررات حقوق بشردوستانه مکلف کرده‌اند. برای همین، اگر شورشیان، پایبند به موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه نباشند در هریک از کشورها که دستگیر شوند قابل محاکمه یا استرداد خواهند بود.

پیرو آنچه پیش‌تر آمد، به نظر می‌رسد اهم دلایل لزوم پای‌بندی شورشیان به رعایت موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه عبارت است از: الف) وجود اسناد و قطعنامه‌های بین‌المللی گوناگون مبنی بر به رسمیت شناختن تکلیف شورشیان به رعایت موازین بین‌المللی؛ ب) لزوم حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در چارچوب اصل کلی مبارزه با تروریسم که مصداق بارز آن گروه‌های شورشی و شورشیان تروریست است؛ ج) شکل‌گیری عرف بین‌المللی مبنی بر لزوم رعایت موازین بین‌المللی در مخاصمات مسلحانه داخلی از سوی طرفین؛ د) شناسایی مسئولیت کیفری فردی برای ناقضان موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در اساس‌نامه دادگاه‌های موردی و دیوان بین‌المللی کیفری و ه) وجود مقررات صلاحیت جهانی به منظور تعقیب و مجازات ناقضان موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه.

۲. تعهدات حقوق بشردوستانه بوکوحرام

اگرچه با توجه به ضعف و کمبودهای پروتکل الحاقی دوم به لحاظ تأثیر مسئله حاکمیت دولت در آن و تعریف محدود ارائه شده از مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی در بند اول ماده یک آن که تحمیل‌کننده آستانه‌ای بسیار بالاست (شفیعی بافتی و هنجنی، ۱۳۹۲: ۱۰۰)، عرصه اعمال

مربوط به ماده ۳ مشترک، در چارچوب عبارت «منازعه مسلحانه بدون ماهیتی بین‌المللی»، به‌منزله آستانه پایین‌تر اعمال حقوق بشردوستانه بین‌المللی در تمامی وضعیت‌های منازعه مسلحانه غیربین‌المللی، در شرف به رسمیت شناخته شدن قرار گرفته است (کولن، ۱۳۹۶: ۲۳۲).

در این خصوص پیرو مواد ۲۷، ۳۱، ۳۲ و واپسین ماده بیانیه سال ۲۰۰۰ «انجمن حقوق بین‌الملل» در خصوص «قواعد حاکم بر شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی عام» نظر به اینکه تاکنون بیش از ۱۹۰ کشور به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو پیوسته‌اند مقرره‌های ماده ۳ مشترک که برگرفته از موازین حقوق بشر است اینک به‌منزله بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی تلقی شده و برای طرفین لازم‌الاتباع است.

چنانکه برخی گفته‌اند: «هدف بخشی از کنوانسیون‌های ژنو (ماده ۳ مشترک) این است که تعهداتی را ایجاد کنند [که قلمرو آن] فراتر از طرف‌های متعاقد می‌باشد» (قنبری جهرمی، ۱۳۸۴: ۸۹).

شمار چشمگیری از مقررات پروتکل الحاقی دوم نیز به حقوق بین‌الملل عرفی راه یافته‌اند و از میان آن‌ها، مقرره‌های مواد ۴ و ۶ که اساسی‌ترین مباحث آن را شکل می‌دهند برگرفته از موازین حقوق بشرند.

در تفسیر اخیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بر ماده ۳ مشترک در سال ۲۰۱۶ نیز آمده است: «چنانچه خشونت به مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی منجر شود، ماده ۳ مشترک و سایر مقررات حقوق بشردوستانه بر آن وضعیت قابل اعمال خواهد بود و طرفین تحت شمول تعهدات حقوقی بین‌المللی قرار خواهند گرفت تا از قربانیان درگیری حمایت اساسی به عمل آید ... اصولاً حقوق بشردوستانه همه اطراف مخاصمه اعم از دولت و غیردولت را به صورت یکسان ملزم به رعایت ماده ۳ مشترک و سایر مقررات حقوق بشردوستانه می‌کند» (International Committee of the Red Cross, Commentary of 2016 Article 3, para. 388).

البته در سراسر این تفسیر مانند پاراگراف ۵۰۵ بر الزام گروه‌های مسلح غیردولتی و در پاراگراف ۵۱۴ بر الزام همه اطراف درگیر به رعایت مقرره‌های ماده ۳ مشترک تأکید شده است. اما درخصوص درگیری میان دولت نیجریه و شورشیان بوکوحرام، با توجه به اینکه دامنه عملیات این شورشیان تا ابوجا، پایتخت نیجریه و شهرهای اصلی مثل کانو در شمال مرکزی گسترش یافته است و توانسته‌اند بر ۷۰ درصد ایالت بورنو در شمال شرقی کشور و شهرها و روستاهای متعددی از ایالت‌های همسایه ادماوا و یوبی مسلط شوند و در عمل ارتش نیجریه را شکست دهند (<http://irdiplomacy.ir/fa/page/19432>)، سطح این درگیری را به مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی رسانده است.

اسناد بین‌المللی متعددی به تبیین مفهوم یا مقررات حاکم بر این نوع مخاصمه پرداخته‌اند. ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ بدون اینکه به تعریفی از این مخاصمه پردازد

نخست آن را فاقد ماهیتی بین‌المللی دانسته است که در خاک یکی از دول متعاقد روی دهد و با به‌کاربردن عبارت «طرفین درگیری یا هریک از متخاصمین» (Dissident Armed Forces) هم گروه شورشی و هم طرف دولتی را از نقض حقوق بشردوستانه بر حذر داشته و آنان را مکلف به اعمال یک‌سری مقررات حداقلی کرده است.

اما پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ در مادهٔ یک، به تعریف مضیق و ارائهٔ معیارهایی برای تبیین مخاصمهٔ مسلحانهٔ داخلی اقدام کرده است. این پروتکل علاوه بر معیار سازمان‌دهی نیروها و داشتن فرماندهی مسئول، برای احراز مخاصمهٔ مسلحانهٔ داخلی معیار دشواری قائل شده است که عبارت است از: تسلط شورشیان و گروه‌های مسلح مخالف بر بخشی از سرزمین.

این معیار، آستانهٔ بسیار بالایی است که رسیدن به آن برای گروه‌های مسلح به‌راحتی مقدور نیست و شورشیان (برخلاف شورشیان بوکوحرام) معمولاً در موقعیتی نیستند که بتوانند با غلبه بر نیروهای حکومت، جایی را در تصرف خود نگه‌دارند. بنابراین، در مقایسهٔ با مادهٔ یک پروتکل الحاقی به نظر می‌رسد دایرهٔ شمول مادهٔ ۳ مشترک، گسترده‌تر و موسع است و رابطهٔ عموم و خصوص مطلق میان این دو وجود دارد.

در بند ۲ قسمت (و) مادهٔ ۸ اساس‌نامهٔ رم نیز آمده است: «مقررات این بند، درمورد منازعهٔ مسلحانه‌ای قابل اجراست که در قلمرو دولتی اتفاق می‌افتد که منازعهٔ مسلحانهٔ درازمدتی میان نیروهای حکومت و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته یا میان چنین گروه‌هایی وجود دارد». در این تعریف، معیار اشغال بخشی از سرزمین نیامده است و صرفاً بر درازمدت‌بودن زمان مخاصمه و سازماندهی گروه مسلح تأکید شده است.

صرف‌نظر از ایرادات وارده بر معیار «طول مدت» که امری است کاملاً نسبی و شامل مخاصماتی نمی‌شود که به‌تازگی درگرفته‌اند (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۷: ۸۸)، به نظر می‌رسد پس از پروتکل الحاقی دوم، در اسناد و آرای مراجع قضایی بین‌المللی و منطقه‌ای (مانند اساس‌نامهٔ دیوان کیفری بین‌المللی و قضایای تادیب، میلوشوویچ و خوان کارلوس آبل) معیار تصرف بخشی از سرزمین، اهمیت خود را از دست داد و گرایش به پذیرش معیار سازماندهی بیش از سایر معیارها شد، چنانکه در قضیهٔ آبلای معیار طول مدت نیز کنار گذاشته شد.

درخصوص درگیری داخلی نیجریه که شورش بوکوحرام واجد تمامی معیارهای ذکرشده است (اشغال بخشی از سرزمین، داشتن سازمان‌دهی و سلسله‌مراتب فرماندهی، مخاصمهٔ مسلحانهٔ طولانی‌مدت از سال ۲۰۱۰ میلادی تاکنون) و صرف‌نظر از ایراداتی که بر برخی از این معیارها وارد است، اما در اینکه مخاصمهٔ مسلحانهٔ داخلی محقق شده

1. Tadic Case, ICTY Report, 1997, para.70 and The Prosecutor V. Slobodan Milosevic, ICTY, No.IT-02-54-T, 2004, Para.23 and Juan Carlos Abella case 11.137, Argentina, Nov.18, 1997, OEA/Ser.L/V/II.98 doc.6 rev.13 Apr.1998, Para.155.

است و شورشیان باید ملتزم به رعایت و اعمال موازین حقوق بشردوستانه باشند دیگر محل شک و تردید نیست.

در این مبحث ابتدا تعهدات بشردوستانه گروه شورشی بوکوحرام در قبال دولت نیجریه، سپس تعهدات بشردوستانه گروه شورشی بوکوحرام در قبال غیرنظامیان بررسی می‌شود:

۲. ۱. تعهدات بشردوستانه بوکوحرام در قبال دولت نیجریه

رفتار انسانی و بدون تبعیض با نیروهای دولتی که سلاح خود را به زمین گذاشته‌اند و افراد ناتوان به شرکت در نبرد (بند ۱ ماده ۳ مشترک) و اجازه ارائه خدمات تشکیلات نوع‌پرور بی‌طرف مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به نیروهای دولت نیجریه و ایجادنشدن اخلال در جمع‌آوری و پرستاری زخم‌داران و بیماران (بند ۲ ماده ۳ مشترک).

اعمال حداقل الزامات و استانداردهای مبتنی بر قواعد حقوق بشردوستانه در رفتار با نیروهای بازداشت و زندانی‌شده خصم: ۱. فراهم کردن غذا و آب آشامیدنی در حد متعارف برای اشخاص در قید بازداشت یا زندان و اعمال مراقبت بهداشتی و مصون نگه‌داشتن آنان از گزند شرایط سخت و خطرهای ناشی از مخاصمه؛ ۲. برخورداری بازداشت‌شدگان و زندانیان نیروهای دولتی از آسایش فردی و جمعی؛ ۳. اختیار و آزادی عمل این نیروها در انجام و اعمال فرایض دینی و مذهبی و امکان برخورداری از مساعدت بزرگان مذهبی خود؛ ۴. فراهم کردن زمینه اشتغال و برخورداری از شرایط کاری و تأمینات مشابه غیرنظامیان (زیر بندهای ب، ج، د و ه بند ۱ ماده ۵ پروتکل الحاقی دوم).

رفتار انسانی و بدون تبعیض با مجروحان، بیماران و غریقان نیروهای دولتی با کمترین تأخیر از حمایت و مراقبت‌های پزشکی (ماده ۷ پروتکل الحاقی دوم).

نگهداری زنان در مکانی مجزا از مردان، مجازبودن بازداشت‌شدگان و زندانیان به ارسال و دریافت نامه بدون محدودیت مگر در صورت ضرورت، عدم وقوع مکان‌های زندان و بازداشت نزدیک منطقه جنگی، رسیدگی پزشکی به بازداشت‌شدگان و زندانیان منطبق با استانداردهای کلی پزشکی و در معرض خطر قرارنگرفتن سلامت و تمامیت جسمی و روحی آنان به عمد یا از روی بی‌مبالاتی (زیر بندهای الف، ب، ج، د و ه بند ۲ ماده ۵ پروتکل الحاقی دوم).

محاكمة افراد صرفاً در دادگاهی که تضمیناتی اساسی در استقلال و بی‌طرفی ارائه کند و رعایت اصول دادرسی مانند حق دفاع، مسئولیت کیفری فردی، عطف به ما سبق نشدن قوانین و دادرسی حضوری (بند ۲ ماده ۶ پروتکل الحاقی دوم) و صادرنکردن حکم مجازات اعدام نسبت به کودکان زیر ۱۸ سال و زنان باردار و مادران اطفال کوچک (بند ۴ ماده ۶).

حمایت از مجروحان، بیماران و غریقان در مقابل بدرفتاری، تضمین مراقبت مناسب و جستجوی اجساد، ممانعت از چپاول و تدفین محترمانه آنان (ماده ۸ پروتکل الحاقی دوم).

به کارگیری روش‌های جنگی مانند استعمال گازهای خفه‌کننده در مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی براساس پروتکل ۱۹۵۰ نیز منع و محدود شده است. همچنین، صلیب سرخ مدعی عرفی شدن ممنوعیت مقابله به مثل در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی شده است.^۱ اصولاً موارد مندرج در ماده ۳ مشترک قابل مقابله به مثل نیستند، زیرا این ماده در کنوانسیون آمده است که مقابله به مثل را منع کرده است (Albrecht: 1953: 590-614).

۲.۲. تعهدات بشر دوستانه بوکوحرام در قبال غیرنظامیان

حمایت از جمعیت غیرنظامی و نظامیانی که تسلیم شده‌اند (Hors dr combat) و ممنوعیت همه‌گونه اشکال کشتار، خشونت و رفتارهای تحقیرآمیز علیه آنان (ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و مواد ۱۳ تا ۱۸ بخش ۴ پروتکل الحاقی دوم).

حمله فردی و جمعی به جمعیت غیرنظامی (بند ۲ ماده ۱۳ این پروتکل) و اعمال و تهدیدات خشونت‌آمیز مانند عملیات انتحاری شورشیان بوکوحرام در میان جمعیت غیرنظامی با هدف گسترش ترور و خشونت ممنوع است.

به قحطی‌کشاندن شهروندان و غیرنظامیان (starvation of civilians) به‌مثابه وسیله رزمی ممنوع است، بنابراین شورشیان بوکوحرام نباید نسبت به تخریب یا منتقل کردن اموال ضروری برای بقای جمعیت غیرنظامی مانند مواد غذایی، مناطق کشاورزی، محصولات، حیوانات اهلی، تأسیسات آب آشامیدنی اقدام کنند (ماده ۱۴ پروتکل الحاقی دوم).

ممنوعیت حمله به کارخانه‌ها، تأسیسات دارای انرژی‌های خطرناک مانند سدها و ایستگاه‌های تولید انرژی هسته‌ای. چنین حملاتی معمولاً سبب آزادسازی نیروهای ویرانگر و به آسیب‌های جانی و مادی به غیرنظامیان منجر می‌شود (ماده ۱۵ پروتکل الحاقی دوم). ممنوعیت هدف قراردادن آثار تاریخی، هنری و مکان‌های عبادت در عملیات نظامی (ماده ۱۶ پروتکل الحاقی دوم).

ممنوعیت کوچاندن اجباری جمعیت غیرنظامی مگر اینکه به منظور تأمین امنیت آن‌ها یا به اقتضای دلایل نظامی باشد (ماده ۱۷ پروتکل الحاقی دوم).

حمایت‌های ویژه از برخی قشرهای آسیب‌پذیرتر مانند زنان و کودکان از جمله: حفظ حق آموزش و تربیت مشتمل بر تعالیم و تربیت مذهبی و اخلاقی کودکان و تسهیل پیوستن آنان به خانواده‌شان که از آن جدا و پراکنده شده‌اند و به کارنگرفتن کودکان زیر ۱۵ سال در نیروها یا

۱. برخلاف مخاصمات مسلحانه بین‌المللی که در آن مقابله به مثل در برخی موارد مجاز است، این امر در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی مطلقاً ممنوع است.

See ICRC Commentaries on Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949 Relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II), 8 June 1977, pp. 13723, paras. 4530-6.

گروه‌های مسلح و جابه‌جایی کودکان به طور موقت از منطقه جنگی به مناطق امن‌تر از اهم این موازین است (زیر بندهای الف، ب، ج و ه بند ۳ ماده ۴ پروتکل الحاقی). این پروتکل شرکت کودکان زیر ۱۵ سال در مخاصمه مسلحانه داخلی را ممنوع اعلام و سند حقوق بشری کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ نیز ممنوعیت شرکت مستقیم کودکان زیر ۱۸ سال را در مخاصمه مسلحانه تصریح کرده است. ممنوعیت زنای به عنف، فحش‌های اجباری و هر نوع تعرض بی‌شرمانه علیه زنان (Any from of Indecent Assault) (زیر بند ه بند ۲ ماده ۴ پروتکل الحاقی دوم)، اساس‌نامه رم نیز در زیر بند (و) بند ۲ ماده ۷ حامله کردن اجباری را جنایات علیه بشریت و در زیر بند ۶ بند ه قسمت ۲ ماده ۸ تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، اجبار به فحش‌های جنسی، حامله کردن اجباری، عقیم کردن اجباری یا هر شکل دیگر از اشکال خشونت جنسی را جنایت جنگی دانسته است.

نتیجه‌گیری

در اثر تحولات اخیر حقوق بین‌الملل و تغییر رهیافت دولت‌محور به رویکرد انسان‌محور، در شورش‌های داخلی، گرایش به انسانی‌کردن رفتار دولت‌ها و گروه‌های مسلح دیده می‌شود و توسعه گفتمان حقوق بشر موجب شد تا نهادهای بین‌المللی در قبال نقض موازین حقوق بشر و بشردوستانه در شورش‌های داخلی واکنش نشان دهند. ارتکاب جنایات بین‌المللی و انجام عملیات تروریستی در شورش‌های داخلی که در اسناد، قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و گزارش‌های نهادهای بین‌المللی، بازتاب داشته است تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌رود. این امر، شورش‌های داخلی را که در حقوق بین‌الملل کلاسیک صرفاً امری داخلی بود به موضوعی مورد اهتمام جامعه بین‌المللی مبدل کرده است؛ همان‌گونه که نقض فاحش موازین بین‌المللی در شورش‌های مسلحانه داخلی نیجریه، سوریه، عراق و سودان جنوبی دغدغه و نگرانی عمیق جامعه جهانی را برانگیخته است. جنایات و تروریسم بین‌المللی در دهه‌های اخیر که اغلب رهاورد شورش‌های داخلی است و از سوی افراد در قالب گروه‌های شورشی شکل می‌گیرد موجب تزلزل اصول حاکم بر نظام بین‌الملل و سبب‌ساز تدوین اسناد و قطعنامه‌های متعدد و شکل‌گیری قواعد عرفی مبنی بر لزوم رعایت موازین حقوق بشر و بشردوستانه از سوی شورشیان شده است. با تدوین کنوانسیون‌های ژنو مشتمل بر ماده ۳ مشترک، پروتکل دوم الحاقی، اساس‌نامه رم و سایر اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین و شکل‌گیری قواعد عرفی و

تصویب قطعنامه‌ها به نظر می‌رسد که تردیدی در التزام و تعهد شورشیان بوکوحرام به منزله طرف غیردولتی به موازین حقوق بشر و بشردوستانه نیست.

با وجود شناسایی مسئولیت کیفری فردی و ظهور اصولی در حوزه دادرسی کیفری بین‌المللی مانند اصل صلاحیت جهانی برای تعقیب و مجازات ناقضان موازین بین‌المللی، نظام حقوقی بین‌المللی کماکان در حوزه مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی و شورش‌های داخلی به نظریه پردازی، رویه‌ها و تدوین اسناد بیشتری نیاز دارد تا خود را به سطح حمایتی برساند که در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی اعمال می‌شود.

البته نگرانی عمده کشورها برای پذیرش اعمال حقوق بشردوستانه مربوط به مخاصمات مسلحانه بین‌المللی در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، شناسایی شورشیان به منزله طرف مخاصمه است که می‌تواند موجب مداخله ثالث در مخاصمه شود. از لحاظ تئوریک، بین‌المللی قلمداد کردن مخاصمه داخلی موجب به جریان افتادن حقوق بشردوستانه مربوط به مخاصمات مسلحانه بین‌المللی می‌شود و چنین وضعیتی می‌تواند پیامدهای پیش‌بینی‌ناپذیری مانند شناسایی شورشیان به منزله دولت در تبعید یا کشور مستقل را دربرداشته باشد، اما با توجه به وضعیت بوکوحرام که از ماهیتی تروریستی برخوردار است و مرتکب نقض فاحش موازین بین‌المللی می‌شود این امر غیرممکن به نظر می‌رسد.

منابع

فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. شفیع‌بافتی، نگین و هنجنی، سیدعلی (۱۳۹۲). *ابعاد حقوقی بین‌المللی مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی*، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۲. قنبری جهرمی، محمدجعفر (۱۳۸۴). «اصول حاکم بر شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی عام»، چاپ اول، تهران: انتشارات دراک.
۳. کوچ‌نژاد، عباس (۱۳۷۸). *آشوب‌های داخلی در حقوق بین‌الملل*، رساله کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران.
۴. کولن، آنتونی (۱۳۹۶). *مفهوم منازعه مسلحانه غیربین‌المللی در حقوق بشردوستانه بین‌المللی*، ترجمه دکتر مجید شایگان‌فرد، چاپ اول، تهران: نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۵. ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۷). *حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی*، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.

۶. وری، بیترو (۱۳۸۴). فرهنگ حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه، ترجمه سیامک کرمزاده و کتابون حسین‌نژاد، چاپ اول، تهران: نشر سرسم.

ب) مقالات

۷. الشرفاوی، محمد (۲۰۱۷). لهذه الاسباب يصعب القضاء على بوكوحرام النيجرية، نشریه صوت‌الامه، قابل دسترسی از پیوند www.soutalomma.com/article/569722.
۸. توکلی طبسی، علی و منصور، فرنگیس (۱۳۹۴). «تعهد و التزام متخاصمین به قواعد حقوق بشردوستانه در مخاصمه داخلی سوریه»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال سی و دوم، شماره ۵۲.
۹. ضیایی، سیدیاسر (۱۳۹۰). «مسئولیت بین‌المللی جدایی‌طلبان، دولت مرکزی و دولت‌های ثالث در قبال یکدیگر»، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۴۵.

انگلیسی

A) Books

10. Batdorf, John (2005). *The End of Strife: Natures Laws Applies To Incomes*, Broadway Publishing Company, New York.
11. Forest, James J.F. (2012). *Confronting the Terrorism of Boko Haram in Nigeria*, Boulevard: Joint Special Operations University (JSOU) Press.
12. International Committee of The Red Cross (2016). *Commentary of 2016 Article 3: Conflicts not of an International Character*, Available at: ihl-databases.icrc.org/applic/ihl/inl.nsf/comment.xsp?action=comment&documentId=59F6CDFA490736C1C1257F7D004BA00EC.
13. International Law Association London Conference (2000). *Statement of Principles Applicable to The Formation of General Customary International Law*, Available at: <https://www.law.umich.edu/facultyhome/drwcasebook/Documents/Documents/IL%20Report%20on%20Formation%20of%20Customary%20International%20Law.pdf>.
14. Report of the Amnesty International (2016-2017). *The State of the World's Human Right*, First Published by Amnesty International Ltd, Available: <http://www.amnesty.org/en/countries/middle-east-and-north-africa/syria>.
15. Wilson, Heather A. (1988). *International Law and the Use of force by Liberation Movements*, Oxford.

B) Articles

16. Adesoji, Abimbola (2010). "The Boko Haram Uprising and Islamic Revivalism", *Africa Spectrum*, (45). 2.
17. Al Jazeera Centre for Studies (2012). "Reports: Boko Haram: Nigeria's

- Extremist Islamic", Sect: www.studies.aljazeera.net 29 February 2012.
18. Albrecht, A. R., Octobr (1953). "War Reprisals in the War Crimes Trials and in the Geneva Conventions of 1949", *The American Journal of International Law*, Vol. 47, No. 4.
 19. BBC News, (2012). "Profile of Nigeria's Boko Haram leader Abubakar Shekau", June 22, 2012. Available at: <http://www.bbc.co.uk/news/world-africa-18020349>.
 20. Cullen, Antony (2005). "Key developments affecting the scope of internal armed conflict in international humanitarian law", *Military law review*, vol. 183, p. 69.
 21. Fayeye, JosephO & Obasanjo S. Balogun (2012). "The Metamorphosis of 'Boko Haram' to an Islamic Fundamental Sect and The Burden of Insecurity In Northern Nigeria", *International Journal of Current Research*, Vol. 4, Issue 4.
 22. Honore, tony (1998). "The right to rebel", *Oxford journal of legal studies*, VOL 8, no. 1.
 23. ICRC Commentaries on Additional Protocol to the Geneva Conventions of 12 August 1949 Relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II), 8 June 1977.
 24. Labott, Elise (2014). "U.S. designates BokoHaram, its offshoot as terrorist organizations", CNN. Available at: <http://www.cnn.com/2013/11/13/world/afroca/bokoharam-us/index.html> (accessed April 4, 2014).
 25. Lindsay, Moir (1998). "The Historical Development of the Application of Humanitarian Law in Non-International Armed Conflicts to 1949", *International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 47, Issue 2.
 26. Lindsay Moir (1998). "The Implementation and Enforcement of The Laws of Non-International Armed Conflict", *Journal of Conflict and Security Law*, Vol. 3.
 27. Madike, Isioma (2011). "Boko Haram: Rise of a Deadly Sect", *National Mirror*, 19 June.
 28. Marchal, Roland (2012). "Boko Haram and the Resilience of Militant Islam in Northern Nigeria", *Noref Report*, June.
 29. Mazrui, Ali (2012). "Nigeria: From Shari'a Movement to Boko Haram", Global Experts Team, United Nations Alliance of Civilizations.
 30. Okpaga, Adagba; Ugwu Sam Chijioke & Okechukwu Innocent (2012). "Activities of Boko Haram and Insecurity Question in Nigeria", *Arabian Journal of Business and Management Review (OMAN Chapter)*, Vol 1, No. 9.
 31. Sandesh, Sivakumaran (2011). "Re-envisaging the International Law of Internal Armed Conflict", *The European Journal of International Law*, Vol. 22, No.1, p. 230.
 32. Schuller, Andreas (2012). "Fundamental Standards of Humanity– Still a Useful Attempt or an Expired Concept?", *The International Journal of Human Rights*, Vol. 14, No. 5.
 33. Smith, David (2014). "Nigeria falls into 'a state of war' as Islamist insurgency rages", *The Observer*.
 34. Thomson, Valarie (2012). "Boko Haram and Islamic Fundamentalism in Nigeria", *Global Security Studies*, Vol. 3, Issu 3, pp. 46-60.
 35. Walker, A. (2012). "What is Boko Haram", Special Report 308, United State Institute of Research, June.

C) Websites

36. www.amnesty.org.
37. www.bbc.co.uk.
38. www.cbc.ca.
39. www.cnn.com.
40. www.entekhab.ir.
41. www.icrc.org.
42. www.irdiplomacy.ir.
43. www.law.umich.edu.
44. www.mondediplo.com.
45. www.soutalomma.com.
46. www.studies.aljazeera.net.
47. www.theguardian.com.
48. www.travel.state.gov.
49. www.washingtonpost.com.